

دوره ی متوسطه دوم – پایه دوازدهم – واژگان درس اول			
A.D(Anno Domini)	بعد از میلاد (بعد از میلاد مسیح)	care for	مراقبت کردن از
accidentally	اتفاقی ، برحسب تصادف	catch	مبتلا شدن (به) ، رسیدن (به)
again and again	بارها ، به کرات	childhood	(دوران) کودکی ، (دوران) بچگی
aloud	با صدای بلند	Christ	مسیح ، عیسی مسیح
appreciation	قدردانی ، تقدیر ، سپاس	close	۱- صمیمی ۲- نزدیک
author	نویسنده	countless	بی شمار ، بی اندازه ، بسیار زیاد
be born	متولد شدن	dedicated	متعهد ، پایبند
be hard of hearing	گوش (کسی) سنگین بودن	develop	تولید کردن ، توسعه دادن
be known as	به عنوان معروف بودن	diary	دفتر خاطرات ، دفتر یادداشت
be remembered for sth.	به خاطر معروف بودن	diploma	دیپلم ، مدرک تحصیلی
belong	تعلق داشتن (به)	discover	کشف کردن
belonging	تعلق ، وابستگی	dishwasher	ماشین ظرف شویی
birth	تولد ، میلاد	distinguished	معروف، مشهور، برجسته
blessing	نعمت ، موهبت	either....or....	یا....یا ، هم....هم
boost	زیاد کردن ، افزایش دادن	elder	بزرگتر
bring up	(کودک) بزرگ کردن	elderly	مسن ، سالخورده
burst	منفجر شدن ، ترکیدن	enjoyable	لذت بخش ، دلپذیر ، خوشایند
by accident	اتفاقی ، تصادفی	ethic	(در جمع) اصول اخلاقی، اخلاق
by heart	از حفظ ، از بر	feed	غذا دادن به
learn by heart	حفظ کردن ، از بر کردن	for instance	مثلا ، برای مثال
by the way	راستی	forgive	بخشیدن ، عفو کردن
calmly	آرام ، به آرامی	found	تاسیس کردن ، بنیان نهادن
cancer	(پزشکی) سرطان	function	کارکرد، عملکرد ، نقش

generation	نسل	once	زمانی ، یک وقتی، یک بار
grandchild	نوه	ordinary	عادی ، معمولی
guideline	رهنمون،توصیه	pancake	پن کیک ،کیک تابه ای
hate	متنفر بودن از	pause	مکث کردن ، درنگ کردن
hear of	دربارهشنیدن	peaceful	آرام ، ساکت ، صلح جو
heritage	میراث	physician	پزشک ، دکتر
hug	در آغوش گرفتن ،بغل کردن	pigeon	کبوتر
importantly	مهم اینکه ،به طورعمده ،اساسا	pity	مایه تاسف ، دلسوزی
inspiration	الهام ،منبع الهام ،الهام بخش	poetry	شعر
keep	ادامه دادن ،ماندن ،نگه داشتن	principle	اصل، مبانی ، اصول اخلاقی
kindly	با مهربانی ،با محبت	quietly	آرام ، به آرامی
kindness	مهربانی ،محبت ،لطف	record	یادداشت کردن ، نوشتن
kiss	بوسیدن	regard	دانستن ، قلمداد کردن ، توجه و ملاحظه
lap	دامان ،پا(قسمت بالای ران)	regarding	راجع به ،درباره ،در مورد
loving	مهربان ، با محبت	repeatedly	بارها ،به کرات
lovingly	با مهربانی ، با محبت	reply	پاسخ دادن ،جواب دادن
lower	پایین آوردن ، کم کردن	responsibility	مسئولیت
memory	حافظه	role	نقش
microwave oven	مایکروویو	score	نمره ،امتیاز
might	گذشته may(ممکن بودن)	second	۱-دوم ، دومین ۲-ثانیه
moral	در جمع اصول اخلاقی ،اخلاق	sense	حس(درجمع حواس)، احساس
mostly	عمدتا ،غالبا ،بیشتر	shout	فریادکشیدن ، داد زدن
not surprisingly	عجیب نیست که ،تعجبی ندارد که	sofa	کاناپه

solution	راه حل ، جواب، پاسخ	hence	۱- از حالا ۲- بنابراین
spare	دریغ کردن ، مضایقه کردن	inform	مطلع کردن ، اطلاع دادن، خبر دادن به
strength	قدرت ، قوت ، نیرو	lack	عدم ، فقدان
successfully	با موفقیت	on one's own	تنها ، به تنهایی
tear	اشنوجوانک	robber	دزد ، سارق
teenager	۱-درجه حرارت ، دما ۲-تب	share	قسمت کردن ، شریک بودن ، سهیم بودن
terrible	خیلی بد ، افتضاح ، شدید	thus	بنابراین ، در نتیجه
textbook	کتاب درسی	unconditionally	بدون قید و شرط
third	سوم ، سومین	unreal	غیرواقعی
tool	ابزار ، وسیله	worthy	سزاوار ، لایق
vase	گلدان	عبارات و ترکیبات مهم زیر را بخاطر بسپارید..	
while	۱-مدت، زمان ۲-هنگامی که ، درحالی که	be angry with sb	از دست کسی عصبانی بودن
willing	مایل ، مشتاق، علاقه مند	be proud of	احساس غرور کردن
yet	۱-با وجود این ۲-هنوز	be will to do sth.	مایل به انجام کاری بودن
واژگان کتاب کار		all the time	همیشه
appreciate	قدردانی کردن از ، تقدیر کردن از	of all time	در تمام دوران
deserve	سزاوار...بودن ، لایق بودن	most importantly	از همه مهم تر اینکه
duty	وظیفه	It's a pity	مایه تاسف است که
end in failure	منجر به شکست شدن		
failure	شکست ، عدم موفقیت		
feel honored	افتخار کردن		
fridge	یخچال		
grateful	ممنون ، سپاس گزار		
handle	از عهده بر آمدن ، اداره کردن،		

لغات مترادف و متضاد مهم درس اول

author=writer	نویسنده	willing=ready	آماده ، مشتاق
famous=distinguished	معروف	loving =kind	مهربان
elderly= old	مسن	peaceful=quiet/calm	آرام ، ساکت
start= found	تاسیس کردن	for instance=for example	برای مثال
reply= answer	جواب دادن	solution=answer	پاسخ، جواب
boost=increase	افزایش دادن	regard=attention	توجه
care for=look after	مراقبت کردن	principle=rule	اصل، قانونی
close=friendly	صمیمی	guideline=advice	توصیه
poetry=poems	شعر	regarding=about	در مورد
ordinary=normal	معمولی	lovingly=kindly	با مهربانی
enjoyable=pleasant	دلپذیر	countless=many	خیلی زیاد
pause=stop	توقف کردن	sense=feeling	احساس

ordinary≠specific	خاص	lower≠ increase	بالا بردن
elderly≠young	جوان	boost≠ lower	پایین آوردن
quietly ≠aloud	با صدای بلند	keep≠ stop	متوقف کردن
countless≠ few	کم	pause≠ start	شروع کردن
terrible≠nice	خوب		


دوره متوسطه دوم - پایه دوازدهم - گرامر درس اول

Active and Passive

معلوم و مجهول

جمله ی معلوم :

جمله ای که فاعل در آن مشخص است یا بهتر است بگوییم جمله ای که فعل آن به فاعل برمی گردد یعنی جمله ای که با فاعل شروع می شود را معلوم می گوئیم.


Ramin wrote a letter last night.
 فاعل فعل اصلی

جمله ی مجهول:

جمله ای که معمولاً فاعل آن مشخص نیست یا بهتر است بگوییم فعل اصلی به مفعول برمی گردد یعنی جمله ای که با مفعول شروع می شود را مجهول می گوئیم


A letter was written yesterday.
 مفعول فعل اصلی

چگونه یک جمله معلوم را به مجهول تبدیل کنیم ؟

۱- ابتدا مفعول را به جای فاعل قرار می دهیم اگر مفعول ضمیر مفعولی باشد مثل him آن را به ضمیر فاعلی تبدیل می کنیم مثل he.

۲- متناسب با مفعول جمله و زمان جمله معلوم از مشتقات فعل to be استفاده می کنیم یعنی اگر جمله حال ساده باشد از (are-is-am)، اگر گذشته ساده باشد از (were-was)، اگر آینده ساده باشد از (will be)، اگر حال کامل یا ماضی نقلی باشد از (have -has + been)، اگر ماضی بعید باشد از (had + been)، اگر حال استمراری باشد از (am-is-are + being) و اگر گذشته استمراری باشد از (was-were+ being) استفاده می کنیم.

۳- بعد از شکل فعل (to be) از قسمت سوم فعل اصلی استفاده می کنیم . اگر با قاعده باشد به آن (ed) اضافه می کنیم و اگر بی قاعده باشد قسمت سوم آن را حفظ کرده و می نویسیم .

۴- اگر لازم باشد می توانیم فاعل را با حرف اضافه (by) بعد از قسمت سوم فعل بنویسیم . البته اگر فاعل ضمیر فاعلی باشد مثل (we) آن را به ضمیر مفعولی مثل (us) تبدیل می کنیم.

توجه :

به خاطر داشته باشید که فقط جملاتی را می توان به مجهول تبدیل کرد که فعل اصلی آنها متعدی باشد یعنی جمله دارای مفعول باشد اگر جمله دارای فعل لازم مثل (arrive-go-come-sit-live-work) باشد نمی توان به مجهول تبدیل نمود .

مثال هایی از تبدیل جمله های معلوم به مجهول :

1-The boys wash the car every week. (حال ساده)

The car is washed every week.

2-The man watered the flowers yesterday. (گذشته ساده)

The flowers were watered yesterday.

3-My father will buy a house next week. (آینده ساده)

A house will be bought next week.

4-The students have done a lot of homework. (ماضی نقلی)

A lot of homework has been done.

5-The cook had prepared the lunch. (ماضی بعید)

The lunch had been prepared

6-They are building a new lab here. (حال استمراری)

A new lab is being built here.

7-The girls were making new dresses. (گذشته استمراری)

New dresses were being made.

نکته : افعال ناقص مانند (can – could- must-....) بصورت (can-could-must +be +P.P) بصورت مجهول در می آیند.

1-They must paint the door. ➡ The door must be painted.

نکته: مصدر با to بصورت (to be +P.P) به شکل مجهول در می آیند .

1-He plans to plant some trees in the garden. ➡ He plans some trees to be planted in the garden.

Tag Question

سوالات کوتاه (تاییدی)

تعریف : گاهی اوقات نویسنده یا گوینده جهت گرفتن تایید از خواننده یا شنونده ، در انتها ی جملات خود سوالی کوتاه مطرح می کند که آن را به صورت (مگر نه؟ - اینطور نیست؟) ترجمه می کنند . به این سوالات ، **Tag Question** یا **سوالات تاییدی** می گویند.

قاعده کلی : اگر جمله ی اول بصورت مثبت باشد ، سوال کوتاه باید بصورت منفی نوشته و برعکس یعنی اگر جمله ی اول منفی باشد ، سوال کوتاه باید بصورت مثبت نوشته شود.

1-She can speak English, can't she?

2-There isn't much water in the glass, is there?

نکات مهم زیر را در مورد سوالات کوتاه به خاطر بسپارید :

۱-در سوال کوتاه همیشه از ضمایر فاعلی استفاده کنید و هرگز از اسم استفاده نکنید .

مثال :

Ramin wrote a letter, didn't he?

۲-ضمایر اشاره (that-this) را به it و ضمایر (these-those) را به they تبدیل کنید .

That is a chair, isn't it?

۳-اگر در جمله اول از کلماتی که جمله را منفی می کنند استفاده شود مثل (hardly-few-little-no-rarely-seldom-never-barely...) سوال کوتاه را به شکل مثبت بنویسید.

1-She can hardly walk, can she?

2-They never come late, do they?

۴-شکل (I am) را بصورت am I not? یا I aren't بنویسید.

I am a doctor, aren't I?

۵-سوال کوتاه جملات امری را چه مثبت چه منفی به شکل (will you) بنویسید.

Close the door, will you?

۶- اگر جمله با (Let's) شروع شود ، سوال کوتاه را با (shall we) و اگر با (let us) شروع شود سوال کوتاه را با (will you) بنویسید.

1-Let's walk on the hills, shall we?

2-Let us play here, will you?

۷- اگر جمله با (There) شروع شود، سوال کوتاه را نیز با there بنویسید .

1- There is a long way to the station, isn't there?

۸- کلمات (nothing- anything-everything) در سوال کوتاه به it و کلمات (no one – nobody – everyone – everybody – someone-somebody) در سوالات کوتاه به they تبدیل می شوند.

1- Someone has broken the window, haven't they?

2- Nothing can change my life, can it?

۹- اگر بعد از افعال (had-has-have) قسمت سوم فعل بیاید ، در سوال کوتاه از همین افعال استفاده می کنیم اما اگر بعد از این افعال قسمت سوم فعل نیاید برای have از do، برای has از does و برای had از did استفاده می کنیم .

1- She has eaten her lunch, hasn't she?

2- They had to stay there for a long time, didn't they?

۱۰- اگر جمله دارای فعل کمکی باشد ، در سوال کوتاه از آن فعل کمکی استفاده می کنیم اما در جملات حال ساده و گذشته ساده که معمولاً فعل کمکی وجود ندارد از (do-does-did) در سوال کوتاه استفاده می شود .

1- Mina goes to school by bus, doesn't she?

2- They went there yesterday, didn't they?

۱۱- در جمله های شرطی سوال کوتاه را از بخش جواب شرط می سازیم یعنی جمله ای که If ندارد .

1- You won't succeed if you don't study hard, will you?

۱۲- جمله هایی که با (I think....- I guess...- I hope - I believe- I know...) یا شکل منفی آنها شروع شود ، سوال کوتاه را از جمله ی بعد از این افعال می سازیم .

1- I think he will not come back soon, will he?

2- They don't guess it can help them, can't it?

Grammar

1. I an accident yesterday. Two people to the hospital.

- 1) *was seen / were taken* 2) *was seen / took*
3) *saw / were taken* 4) *saw / took*

2. I don't think anyone will come,?

- 1) *will they* 2) *do they* 3) *do I* 4) *to they*

3. Some new houses across from the park now.

- 1) *are building* 2) *built* 3) *were built* 4) *are being built*

4. Somebody has to wash these clothes,?

- 1) *doesn't he* 2) *does he* 3) *don't they* 4) *do they*

5. While I was on holiday, my camera from my hotel room.

- 1) *has stolen* 2) *stole* 3) *was stolen* 4) *has been stolen*

6. A: Sarah to university, didn't she? B: Yes, she studied medicine.

- 1) *goes* 2) *went* 3) *didn't go* 4) *doesn't go*

7. Somebody my bedroom's window this morning.

- 1) *breaks* 2) *is broken* 3) *broke* 4) *was broken*

8. A: That isn't your car,? B: No, it's my mother's.

- 1) *isn't it* 2) *isn't that* 3) *is it* 4) *isn't it*

9. My uncle home by her between 6 and 7 yesterday morning.

- 1) *has driven* 2) *has been driven* 3) *was not driving* 4) *was not being driven*

10. Nobody lives in this house,?

- 1) *does he* 2) *do they* 3) *doesn't he* 4) *don't they*

11. "Where did you get this picture?" "It to me by a friend of mine."

- 1) *gives* 2) *gave* 3) *was given* 4) *is given*

12. A: You where Karen is, do you? B: Sorry, I have no idea.

- 1) *know* 2) *don't know* 3) *knew* 4) *hasn't known*

13. Nowadays, English all over the world.

- 1) *has spoken* 2) *is spoken* 3) *has been spoken* 4) *speaks*

14. I'm not speaking first at the meeting,?

- 1) *aren't you* 2) *are you* 3) *am not I* 4) *am I*

15. The dishes washed by my little brother yet.

- 1) *hasn't* 2) *have not been* 3) *were* 4) *aren't*

2) was broken / repaired

4) *was broken / was repaired*

B: Yes, that would be great.

4) do you

18. A lot of money by the thieves yesterday evening.

4) *was stolen*

19. Your uncle has never been out of the village,?

4) *hasn't your uncle*

20. They _____ the house last month and now it looks nice.

4) are repaired

B: No, it tomorrow morning.

4) will be posted

22. A: Those aren't very interesting,? B: No, not really.

4) are those

23. I my washing machine at the moment. It

2) can't be use / is being fixed

4) can't use / is fixing

24. They a new airport, aren't they?

4) aren't going to build

25. A new hospital in this area since 1385.

4) was built

26. A: There are a lot of people here, _____? B: Yes, more than I expected.

4) are there

27. Where his homework tomorrow evening?

4) *is he done*

28. Don't be late, you?

4) *don't*

B: No, it _____.

4) wasn't fix

30. Jane will tell nobody what I said, _____?

4) *will she*

Vocabulary

1. We gave her some flowers to show our for her hard work.

- 1) *strength* 2) *appreciation* 3) *function* 4) *inspiration*

2. Did you know that the old building is part of our national?

- 1) *solution* 2) *ethic* 3) *generation* 4) *heritage*

3. Having such a helpful and friendly family has been a real

- 1) *blessing* 2) *principle* 3) *moral* 4) *appreciation*

4. Nothing much has happened. It's been a very day.

- 1) *countless* 2) *willing* 3) *ordinary* 4) *dedicated*

5. I've told her to shut the door when she goes out.

- 1) *surprisingly* 2) *successfully* 3) *importantly* 4) *repeatedly*

6. The of the heart is to send blood around the body.

- 1) *sense* 2) *function* 3) *blessing* 4) *tool*

7. The beauty of the mountains is a great to many artists.

- 1) *inspiration* 2) *role* 3) *heritage* 4) *solution*

8. There are several interesting places to visit. Isfahan, for, has a lot of historic buildings.

- 1) *solution* 2) *heritage* 3) *inspiration* 4) *instance*

9. The younger doesn't seem to be interested in politics.

- 1) *heritage* 2) *generation* 3) *memory* 4) *childhood*

10. You need to take for your own actions.

- 1) *strength* 2) *memory* 3) *responsibility* 4) *sense*

11. I'm so sorry, I deleted your files from the computer last night.

- 1) *quietly* 2) *successfully* 3) *mostly* 4) *accidentally*

12. Scientists soon that the gas is lighter than air.

- 1) *discovered* 2) *received* 3) *developed* 4) *founded*

13. This vitamin your immune system from diseases.

- 1) *forgives* 2) *boosts* 3) *catches* 4) *records*

14. Parents try to give their children a/an of responsibility.

- 1) *tool* 2) *instance* 3) *sense* 4) *memory*

15. A combination of diet and exercise can help to your blood pressure.

- 1) lower 2) regard 3) spare 4) record

16. You should show kindness and respect to your

- 1) ethics 2) inspirations 3) elders 4) heritages

17. The religious man tried to improve the people's in the village.

- 1) solutions 2) morals 3) instances 4) generations

18. Tom and Mary asked John to their children while they go to their yoga class.

- 1) burst into 2) care for 3) belong to 4) bring up

19. Some children grow up without receiving any

- 1) heritage 2) poetry 3) education 4) function

20. enough, these wild animals rarely fight.

- 1) Interestingly 2) Surprisingly 3) Importantly 4) Accidentally

21. Making use of fire may be as man's greatest invention.

- 1) developed 2) burst 3) regarded 4) forgave

22. My aunt, Helen, is very friendly and to poor families.

- 1) distinguished 2) helpful 3) ordinary 4) selfish

23. Besides the principal, many other guests were present.

- 1) countless 2) peaceful 3) ordinary 4) distinguished

24. Alexander Fleming was distinguished for penicillin to cure many patients.

- 1) discovering 2) recording 3) bursting 4) sparing

25. Not on such a pleasant afternoon, the park is full of people.

- 1) importantly 2) successfully 3) surprisingly 4) quietly

26. A moral rule of belief about white is right and wrong, that influences how you behave is

- 1) principle 2) heritage 3) generation 4) blessing

27. Students were asked to their activities in a weekly

- 1) boost / textbook 2) boost / diary 3) record / textbook 4) record / diary

28. The English teacher told her students what to do next.

- 1) importantly 2) calmly 3) mostly 4) accidentally

29. It is against my to borrow money from my friends.

- 1) principles 2) guidelines 3) instances 4) functions

30. Unfortunately, scientists haven't found a cure for yet.

- 1) *temperature* 2) *cancer* 3) *memory* 4) *sense*

31. Did you know that sports play an important in social life?

- 1) *score* 2) *pity* 3) *sense* 4) *role*

32. I was hungry, and most, my children were hungry and tired.

- 1) *surprisingly* 2) *lovingly* 3) *inspiration* 4) *kindness*

33. He had the to lend me his car when mine broke down.

- 1) *blessing* 2) *strength* 3) *importantly* 4) *repeatedly*

34. Dr. Smith is very friendly and helpful to his patients. Not surprisingly, he is regarded as a/an physician.

- 1) *dedicated* 2) *willing* 3) *enjoyable* 4) *ordinary*

35. My parents told me that we should respect the

- 1) *dedicated* 2) *elderly* 3) *loving* 4) *ordinary*

36. I believe that your children need to feel a real sense of

- 1) *belonging* 2) *heritage* 3) *solution* 4) *function*

37. What that child needs is plenty of care.

- 1) *dedicated* 2) *willing* 3) *distinguished* 4) *loving*

38. We should no pains to protect our environment.

- 1) *burst* 2) *hug* 3) *spare* 4) *regard*

39. You must be able to speak English or Spanish in this company.

- 1) *almost* 2) *either* 3) *aloud* 4) *once*

40. After 20 minutes the temperature to 325°.

- 1) *record* 2) *catch* 3) *lower* 4) *regard*

دوره ی متوسطه دوم – پایه دوازدهم – واژگان درس دوم			
abbreviation	علامت اختصاری	far away	خیلی دور
access	1-دسترسی داشتن به 2- دسترسی	fat	1-روغن، چربی 2- چاق
achieve	دست یافتن به ، رسیدن به	figure out	فهمیدن ، محاسبه کردن
advanced	پیشرفته	final	پایانمی ، آخر
aid	کمک ، وسیله کمکی	floor	کف ، زمین
allow	اجازه دادن به	freshwater	آب شیرین
although	گرچه، اگرچه	generally	به طور کلی، معمولاً
anthill	تپه مورچه، لانه مورچه	guide	راهنما
app	برنامه کاربردی	guy	آدم ، مرد
arrange	مرتب کردن	host	1-مقدار، تعداد زیادی 2- میزبان
arrangement	ترتیب، آرایش	identify	تشخیص دادن ، شناسایی کردن
astronaut	فضانورد	immediate	فورا ، بلافاصله
average	1-میانگین 2-حدوسط	incomprehensible	غیر قابل فهم
bilingual	دو زبانه	increasingly	به طور فزاینده ای ، بیشتر و بیشتر
carbon	کربن	infection	عفونت، بیماری عفونی
circle	دور....خط کشیدن	inner	داخلی ، درونی
collocation	با هم آوایی ، ترکیب ، همنشینی	insect	حشره
combination	ترکیب	intermediate	متوسط
communicative	خوش مشرب ، خوش صحبت	introduction	مقدمه
compare	مقایسه کردن	invisible	نامرئی
compile	تالیف کردن	issue	موضوع ، مسئله
complete	1-کامل کردن 2-کامل	jump into	1-پریدن 2-بلافاصله اقدام کردن
confusing	گیج کننده	level	سطح
connection	ارتباط ، اتصال	list	1-فهرست 2-فهرست کردن
contain	حاوی ... بودن ، شامل...بودن	look up	پیدا کردن (لغت در دیکشنری)
convert	تبدیل کردن ، تغییر دادن	magnet	آهن ربا ، مغناطیس
crowded	شلوغ	magnifying glass	ذره بین
database	پایگاه اطلاعاتی	middle	1-میانی 2-وسط
definition	تعریف	monolingual	یک زبانه
design	طراحی کردن	ocean	اقیانوس
directly	مستقیماً	offer	1-ارائه کردن 2-پیشنهاد کردن
disconnect	قطع کردن ، از هم جدا کردن	order	ترتیب ، نظم دادن ، دستور دادن
disconnection	جدایی ، قطع	origin	منشا، مآخذ ، مبدا
effectively	به طور موثری	ostrich	شتر مرغ
elementary	مقدماتی، ابتدایی	pattern	الگو ، نمودار
endanger	به خطر انداختن، در معرض خطر قرار دادن	PC	کامپیوتر شخصی
enter	وارد شدن	plus	به علاوه ، علاوه بر
entry	(فرهنگ لغت) مدخل، ورودی	pocket	1-جیب 2-جیبی، کوچک
essential	لازم، ضروری	pollution	آلودگی
exact	دقیق	primarily	عمدتاً، اساساً
expand	گسترش دادن، افزایش دادن	provide	فراهم کردن ، تهیه کردن

purpose	قصد ، هدف	واژگان کتاب کار	
recommend	توصیه کردن ، پیشنهاد کردن	abbreviation	علامت اختصاری
saltwater	آب شور	being	موجود ، مخلوق
search	جست و جو	living being	موجود زنده
site	وب سایت	biography	زندگی نامه
snake	مار	bite	1- گاز، نیش 2- گزیدن، نیش زدن
spelling	املا	colony	گروه جمعیت، جماعت
stand	دکه ، کیوسک روزنامه فروشی	commercial	1- تجاری 2- اقتصادی
stand for	مخفف بودن	drought	خشکسالی
suffer	رنج کشیدن ، ناراحتی کشیدن	expression	عبارت ، اصطلاح ، حالت
superhuman	فوق بشری	find out	فهمیدن ، پی بردن
support	تامین کردن ، حمایت کردن از	generate	به وجود آوردن ، تولید کردن
suppose	فکر کردن، فرض کردن	huge	خیلی بزرگ ، عظیم
surround	دور... را گرفتن ، احاطه کردن	organize	1- مرتب کردن 2- سازماندهی کردن
sweet	شیرین	painful	دردناک ، ناراحت کننده
symbol	نشانه ، علامت	pajamas	پیژامه، زیرشلواری
term	کلمه ، واژه ، اصطلاح ، دوره	part of speech	نوع کلمه
thinking	فکری ، فکر	passenger	مسافر
throughout	در سرتاسر ، در تمام	reproduce	تولید مثل کردن
thus	بنابراین ، در نتیجه	resource	منبع ، سرچشمه
top	1- بالا 2- نوک ، قله	scale	مقیاس ، میزان
transmit	فرستادن ، انتقال دادن	scavenger	زباله گرد
treasure	گنجینه ، گنج	technical	فنی ، تخصصی
two-page	دو صفحه ای	volume	جلد ، حجم
unchangeable	تغییر ناپذیر	waterway	کانال، آبراهه ، راه آبی
unexpectedly	به طور غیرمنتظره ای، ناگهان	wingless	بی بال ، بدون بال
unsuccessfully	بدون موفقیت		
unsystematically	بدون هیچ نظامی		
user	کاربر (کامپیوتر)		
vibration	لرزش ، ارتعاش		
watcher	ناظر ، تماشاگر		
web browser	جست و جوگر وب		
whereas	در صورتی که، در حالی که		
wherever	هرجا (که) ، هر کجا (که)		
widely	1- بسیار 2- به طور گسترده ای		
wing	بال		
wisely	خردمندانه ، عاقلانه		
wonder	تعجب کردن ، از خود پرسیدن		

لغات مترادف و متضاد مهم درس دوم

achieve =get , reach ,gain	رسیدن به ، دست یافتن به	immediately=at once	فورا
a host of= a lot of	مقدار زیادی ، تعداد زیادی	increasingly=more and more	بیشتر و بیشتر
aid=help	کمک	inner=inside	داخلی ، درونی
allow=let	اجازه دادن	intermediate=average , middle	متوسط
convert=change	تغییر دادن ، تبدیل کردن	issue=subject , topic , problem	موضوع ، مسئله
communicative=talkative	پرحرف ، خوش صحبت	primarily= mostly , largely	عمدتا
complete=whole , entire	کامل ، تمام	purpose=goal	هدف
crowded=full , busy	شلوغ	recommend=suggest , advise	پیشنهاد کردن
elementary=simple , basic	ساده ، ابتدایی	section=part , piece , area	بخش
endanger=risk	به خطر انداختن	several=some , various	چندین ، چند
essential=important , necessary	مهم ، ضروری	single=alone , one	تک و تنها
expand=develop ,increase	گسترش دادن ، افزایش دادن	support=help	کمک کردن به ، پشتیبانی کردن از
figure out= understand , find	فهمیدن	suppose=think , guess , believe , imagine	فکر کردن
final=last , end	آخر	thus=so , therefore	بنابراین
generally=usually; mostly ,largely	به طور کلی ، معمولا	transmit=send	انتقال دادن
guy= man , person	مرد ، آدم	whereas=while	درحالی که

a host of≠ few	تعداد کمی	enter≠go , leave	ترک کردن ، رفتن
communicative ≠quiet	ساکت	expand≠decrease , reduce	کاهش دادن
complete≠ incomplete	ناتمام	final≠first , beginning	اول
confusing ≠ clear	واضح	immediately≠later	بعدا
elementary≠advanced	پیشرفته	incomprehensible≠clear	روشن ، واضح
endanger≠protect	محافظت کردن از	increasingly≠less	کم تر
endanger≠save ,take care of	مواظبت کردن از	inner≠outside	بیرونی

دوره متوسطه دوم – پایه دوازدهم – گرامر درس دوم

Relative pronouns

ضمایر موصولی

ضمیر موصولی: ضمیری است که اولاً به جای یک اسم یا ضمیر قرار می گیرد و ثانیاً دو جمله را به هم وصل می کند. ضمایر موصولی را معمولاً (که) ترجمه می کنیم.

The man is a doctor. He has an expensive car.

ضمیر

The man who has an expensive car is a doctor.

ض. موصولی

She is a girl. I teach the girl English.

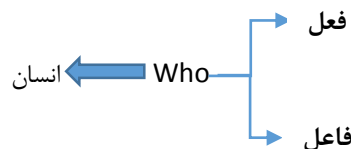
اسم

She is the girl whom I teach English.

ض. موصولی

ضمیر موصولی (who):

این ضمیر موصولی در مورد انسان هم در حالت فاعلی و هم در حالت مفعولی کاربرد دارد.



That is the boy who can drive a truck.

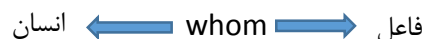
فعل ض. موصولی انسان

He is the man who I took to the hospital.

فاعل ض. موصولی انسان

ضمیر موصولی (whom):

این ضمیر موصولی در مورد انسان فقط در حالت مفعولی کاربرد دارد.



Those are the men whom we saw in the jungle.

فاعل ض. موصولی انسان

ضمیر موصولی (which):

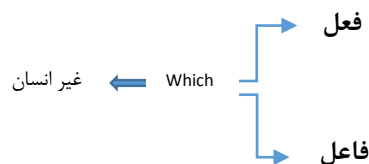
این ضمیر موصولی در مورد غیر انسان هم در حالت فاعلی و هم در حالت مفعولی کاربرد دارد.

That is the car which I bought yesterday

فاعل ض.موصولی غیر انسان

That is the dog which runs very fast.

فعل ض.موصولی غیر انسان



ضمیر موصولی (that):

این ضمیر موصولی در مورد انسان و غیر انسان هم در حالت فاعلی و هم در حالت مفعولی کاربرد دارد.

در واقع این ضمیر را می توان معمولاً به جای (which-who-whom) استفاده کرد

The tiger that lives in the garden is very dangerous.

فعل ض.موصولی غیر انسان

Ramin drove the car that you fixed yesterday.

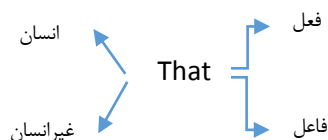
فاعل ض.موصولی غیر انسان

The students that study here are all clever.

فعل ض.موصولی انسان

The farmers that we invited were very poor.

فاعل ض.موصولی انسان



ضمیر موصولی (whose):

این ضمیر موصولی مالکیت را نشان می دهد در واقع می گوید که اسم قبل از آن مالک اسم بعد از آن می باشد.



The man whose money was stolen is a doctor.

اسم ض.موصولی اسم

ضمیر موصولی (where):

این ضمیر موصولی نشان می دهد که در مکان قبل از آن کاری انجام شده است.

می توان به جای (where) از (which+حرف اضافه) یا (which+حرف اضافه) استفاده کرد.

This is the factory where I work.

مکان ض.موصولی کاری که انجام شده

This is the university where I studied.

کاری که انجام شده ض. موصولی مکان

This is the university in which I studied.

چند نکته مهم:

1- قبل از ضمیر موصولی (that) حرف اضافه یا ویرگول قرار نمی گیرد.

2- قبل یا بعد از ضمیر موصولی (where) حرف اضافه قرار نمی گیرد.

3- اگر بعد از ضمائر موصولی فاعل قرار گیرد ، ضمیر موصولی در حالت مفعولی می باشد و می توانیم بدون هیچ تغییری ضمیر موصولی را حذف کنیم.

The man whom I helped was very nice. ➡ The man I helped was very nice.

4- هرگاه ضمائر موصولی به جای یک اسم یا یک ضمیر قرار گیرند، به خاطر داشته باشید که آن ضمیر یا اسم حتما باید از جمله حذف شود.

The book which I bought ~~is~~ is very interesting.

The boy who ~~he~~ received the prize is my brother.

Relative Clause

بند موصولی

هرگاه بخواهیم اسمی را توصیف کنیم از صفت استفاده می نماییم.

The tall man helped me. The black car is mine.

اسم صفت اسم صفت

حال اگر اسمی را با یک جمله که با یک ضمیر موصولی آغاز می شود توصیف کنیم ، به آن بند موصولی (Relative Clause) گویند.

The cars that pollute the air are dangerous.

The men who work on the farm are poor.

اسم بند موصولی

اسم بند موصولی

همانطور که قبلا ذکر شد، اگر بعد از ضمائر موصولی فاعل قرار گرفته باشد ، جمله در حالت مفعولی است و می توان ضمیر موصولی را بدون هیچ تغییری حذف کرد .

The book that I read was wonderful. ➡ The book I read was wonderful.

اگر بعد از ضمیر موصولی (who-which-that) فعل قرار بگیرد ، جمله در حالت فاعلی می باشد و نمی توان ضمیر موصولی را بدون تغییر جمله حذف کرد.

The girl who speaks English is my cousin. ➡ The girl speaks English is my cousin. غلط

هرگاه بخواهیم ضمیر موصولی را در حالت فاعلی حذف کنیم باید به صورت زیر عمل کنیم.

حالت اول: اگر بعد از ضمیر موصولی فعل (to be) باشد، ضمیر موصولی و فعل (to be) را حذف می کنیم و تغییری در جمله ایجاد نمی کنیم.

The boys who are playing ping-pong are clever. ➡ The boys playing ping-pong are clever.] عبارت وصفی

حالت دوم: اگر بعد از ضمیر موصولی فعل (to be) نباشد، ضمیر موصولی را حذف می کنیم و فعل بعد از آن را به صورت (ing) دار می نویسیم.

The man that comes here every day is my uncle. ➡ The man coming here every day is my uncle.] عبارت وصفی

توجه: آنچه که بعد از حذف ضمیر موصولی در حالت فاعلی از بند موصولی باقی می ماند را عبارت وصفی یا (adjective phrase) گویند. نکته: برای تعریف یک کلمه می توانیم از بند موصولی استفاده کنیم.

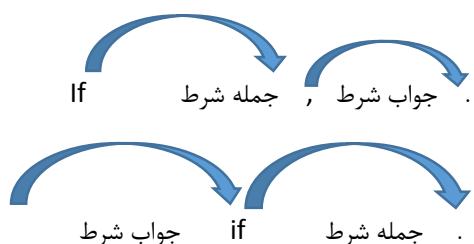
A baker is a person who sells bread.

A mosque is a place in which we pray.

Conditional sentence (Type II)

جمله شرطی (نوع دوم)

همانطور که در سال یازدهم توضیح دادیم، جمله شرطی جمله ای است که خود از دو جمله ی شرط و جواب شرط تشکیل شده است. در ابتدای جمله شرط از کلمات شرط مثل (unless-if) استفاده می شود.



توجه: اگر جمله شرطی با if شروع شود، در انتهای جمله اول به یک ویرگول نیاز است.

شرطی نوع اول: به این شرط که به آن شرطی ممکن الوقوع هم می گویند. امکان و شرط فعل در زمان آینده می باشد. در شرطی نوع اول در جمله ی شرط از زمان حال ساده و در جواب شرط از آینده ساده استفاده می شود.



If he comes here, I will tell him the story.

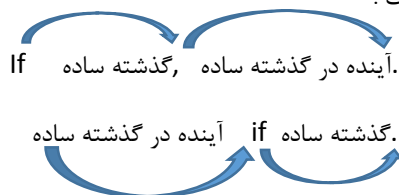
شرطی نوع دوم: به این شرطی (حال غیر ممکن) یا غیر واقعی هم می گویند. چراکه امکان وقوع فعل در زمان حال غیر ممکن است.

If I were you, I would study hard.

اگر جای تو بودم سخت مطالعه می کردم.

این جمله نشان می دهد که من به جای شما نمی توانم باشم و بنابراین سخت هم مطالعه نمی کنم.

ساختار های جمله ی شرطی نوع دوم اینگونه است :



We would help him if he asked us.

توجه: گذشته ساده اینگونه ساخته می شود ; اگر فعل باقاعده باشد به آن (ed) اضافه می کنیم و اگر بی قاعده باشد گذشته آن را باید حذف کنیم .

آینده در گذشته ساده هم اینگونه ساخته می شود :

(شکل ساده فعل + would /could /might)

نکته: در شرطی نوع دوم برای تمام ضمایر (چه مفرد- چه جمع) می توانیم از were استفاده کنیم.

If he were rich, he could help his parents.

نکته: یادتان باشد که برای سئوالی کردن جمله های شرطی ، از افعال موجود در جواب شرط برای سوال کردن استفاده می کنیم .

Will you buy a car if you had enough money?

Could he drive your car if you let him?

توجه مهم : در واقع مفهوم شرطی نوع دوم عکس واقعیت است در زمان حال.

If I knew English, I could be a translator.

I don't know English I can't be a translator.

زبان انگلیسی نمی دانم

نمی توانم مترجم باشم.

Prefixes and suffixes

(پسوندها و پیشوندها)

توجه: اگر شما با برخی از پیشوندها و پسوندها آشنایی پیدا کنید و کاربرد آنها را بدانید می توانید بر معلومات واژگانی خود بیفزایید.

Prefixes

پیشوندها حرف یا حروفی هستند که قبل از یک واژه قرار می گیرند و لغت را از نظر معنایی تغییر می دهند. پیشوندها معمولاً واژه را از نظر دستوری تغییر نمی دهند یعنی اگر اسم باشد اسم باقی می ماند، اگر صفت باشد صفت باقی می ماند.

مثال:

happy (خوشحال) → unhappy (ناراحت)

play (بازی کردن) → replay (دوباره بازی کردن)

تعداد پیشوندها بسیار زیاد است (حدود 130) اما چندتا از مهم ترین آنها را به خاطر بسپارید. یادتان باشد اکثر پیشوندهایی که شما می شناسید از نوع متضاد ساز هستند.

پیشوند های (anti-dis-in-il-im-ir-mis-non-un) متضاد ساز هستند.

mishear - nonsmoker - incorrect - antibody -

پیشوند en فعل ساز است و over به معنی بیشتر از حد است.

enable - overweight

پیشوند multi به معنی چند و mini به معنی کوچک و pre پیش از می باشد.

multimedia _minibus _pre-university

پیشوند re به معنی دوباره و mid به معنی وسط و auto به معنی خودکار است.

restart – midterm – automobile

Suffixes

پسوندها حرف یا حروفی هستند که به آخر کلمه اضافه می شوند و کلمه را از نظر دستوری تغییر می دهند. یعنی اسم را به صفت، صفت را به قید، فعل را به اسم و تبدیل می کنند.

exist → existence

happy → happily

تعداد پسوندها بسیار زیاد است (حدود 90) اما شما سه گروه مهم آنها را به خاطر بسپارید.

1-پسوندهای اسم ساز:

مهم ترین این پسوند ها عبارتند از (ee-hood- tion - sion - ion - age- ian - ance -ence - er - or- ness - ment -ity -ist)

مثال:

sickness -artist -permission-actor - marriage - historian- activity -farmer-station- protection- employee-
government- guidance -reference - childhood

2-پسوند های صفت ساز :

مهم ترین این پسوند ها عبارتند از (y - ful -able - ed- ing - ical - less - ive -al -ous)

مثال:

rainy – powerful – countable – tired – boring -hopeless - chemical – protective – practical – dangerous

3- پسوند قید ساز :

با اضافه کردن ly به بعضی از صفات ساده می توانیم قید حالت بسازیم که فعل را توصیف می کند.

مثال: slowly – carelessly – sadly

توجه: اگر صفتی ly داشته باشد با قرار دادن آن در قاعده زیر می توانیم قید بسازیم.

In a..... way (manner)

مثال: In a lovely way – in a friendly way

1. I am looking for someonecan take care of my dog while I am on vacation.

- 11

16. You'll live longer if you

- 1) stopped to smoke 2) stop to smoke 3) stop smoking 4) stopped smoking

17. I'm working for a man for twenty years.

- 1) that have known 2) whom I've known 3) who knew 4) which I know

18. If I the Queen of England, I every one 100 pounds.

- 1) were/ would give 2) was/were 3) am/will give 4) would be / gave

19. She's the excellent nurse I wanted to tell you about.....

- 1) whom/her 2) who/- 3) which/- 4) that / her

20. Peter's parents very proud of him if he good marks.

- 1) are/ will get 2) will be/ got 3) were/would get 4) would be / got

21. What you do if there a fire in the building?

- 1) do/will be 2) will / was 3) would/ was 4) did/would be

22. If the weather is fine, my uncle in the mountain.

- 1) went to hike 2) would go hiking 3) goes to hike 4) will go hiking

23. are the people Your father is talking to?

- 1) Whom/ whom 2) Who/- 3) Whom/- 4) Who/which

24. If I rich, my life completely.

- 1) were/ would change 2) was/changed 3) am/ would change 4) will be / changes

25. Which sentence is grammatically WRONG?

- 1) The worker that you phoned is French.
2) The worker who phoned you is French.
3) The worker you phoned is French.
4) The worker whom you phoned him is French.

26. Which sentence is grammatically CORRECT?

- 1) If I were old enough, I could play in the school basketball team. 2) I will go to cinema with you if I felt better
3) If people have four arms, life will be easier. 4) You would catch the train if you leave now.

27. Which sentence is grammatically WRONG?

- 1) Have you found the keys which you were looking for? 2) The woman who was invited came by bus.
3) The picture I was drawing is in Helen's bedroom. 4) The boy didn't come to the party was ill.

28. Your brother better marks if he read this grammar book.

- 1) got 2) get 3) would get 4) will get

29. Which sentence is grammatically CORRECT?

- | | |
|---|---|
| 1) Do you know anybody who can repair my car ? | 2) The man whom teaches them German is my uncle. |
| 3) He didn't know the girl who she was talking to them. | 4) I've found the dictionary which I lost it last Sunday. |

30. Which sentence is grammatically WRONG?

- | | |
|--|---|
| 1) If you don't go to bed early, you get up late. | 2) John says he will work as a taxi –driver if he needs money . |
| 3) What would you do if you found a lot of money ? | 4) If you had a mobile, will you call him? |

Vocabulary:

1. She thinks that young people today are becoming selfish.

- 1)effectively 2)immediately 3)increasingly 4)wisely

2. A..... of factors may be responsible for the increase in cancer.

- 1)combination 2)disconnection 3)purpose 4)definition

3. Many of the students are in French and English .

- 1)immediate 2)bilingual 3)invisible 4)essential

4. The system has been designed to give the user quick and easy to the information.

- 1)origin 2)section 3)issue 4)access

5. Students often see little between school and the rest of their lives.

- 1)symbol 2)combination 3)connection 4)guide

6. Tom wasn't very, and kept himself to himself.

- 1)communicative 2)invisible 3)incomprehensible 4)intermediate

7. The of the meeting is to decide what we should do next .

- 1)origin 2)purpose 3)treasure 4)pattern

8. My uncle spent all day a website for bilingual students .

- 1)surrounding 2)comparing 3)compiling 4)designing

9. The baby wakes up three times during the night.

- 1)generally 2) lovingly 3)effectively 4)increasingly

10) The telephone rang, and he answered it..... .

- 1)accidentally 2)primarily 3)immediately 4)widely

11. A place that is is full of people.

- 1)immediate 2)monolingual 3) painful 4)crowded

12. We the chairs so that everyone could see the screen.

- 1)contained 2)compiled 3)arranged 4)achieved

13. If you house prices in the two areas, it's quite amazing how different they are.

- 1)provide 2)compare 3)identify 4)expand

14. All the students of the university have to the university library.

- 1)section 2)origin 3)issue 4)access

15. This pocket dictionary is designed for high school students.

- 1)unexpectedly 2)immediately 3)primarily 4)lovingly

16. Her unhappy childhood was the of her problems later in life.

- 1) order 2) origin 3) guide 4) average

17. It is believed that a trip to the moon will be made possible during this century.

- 1) generally 2) directly 3) calmly 4) immediately

18. It's to me why he would want to kill himself.

- 1) invisible 2) average 3) incomprehensible 4) communicative

19. Japan is a country that is on all sides by the ocean.

- 1) supposed 2) surrounded 3) designed 4) contained

20. The number of people who are from heart disease has increased.

- 1) wondering 2) suffering 3) endangering 4) identifying

21. I if you could give me some information about places to visit in the area .

- 1) wonder 2) compile 3) suppose 4) identify

22. You eat a huge plate of food for lunch, I have just a sandwich.

- 1) because 2) although 3) whereas 4) either

23. You can feel the from the engine when you're in the car.

- 1) vibrations 2) purposes 3) resources 4) patterns

24. Around a third of the population in this country have to the internet.

- 1) origin 2) access 3) section 4) entry

25. You can find a word easily in dictionary because of the alphabetical of words.

- 1) experiment 2) combination 3) introduction 4) arrangement

26. He lent his friend £20..... he didn't have much money himself.

- 1) either 2) although 3) because 4) or

27. Information about every car is stored in the police

- 1) connection 2) purpose 3) database 4) pattern

28. Did you know that lung cancer is related to smoking?

- 1) effectively 2) directly 3) wisely 4) immediately

29. I'm trying to call the company, but the phone has been

- 1) surrounded 2) disconnected 3) converted 4) arranged

30. The world population is at the rate of nearly 90 million people per year.

- 1) endangering 2) offering 3) wondering 4) expanding

31. Even the smallest baby can its mother by her voice.

- 1) identify 2) transmit 3) access 4) provide

32. The pollution of the environment is a/an which is very important to the scientists.

- 1) entry 2) origin 3) issue 4) guide

33. I..... met an old friend of mine on the bus yesterday.

- 1) primarily 2) unexpectedly 3) generally 4) effectively

34. Students can this information by means of their personal computers.

- 1) compare 2) access 3) surround 4) suffer

35. He worked hard and finally his goal of becoming a doctor.

- 1) achieved 2) identified 3) converted 4) contained

36. Some diseases are from one generation to the next.

- 1) arranged 2) recommended 3) transmitted 4) compiled

37. If they knew the cause of the problem, they might be able to..... how to prevent it from happening again.

- 1) look up 2) care for 3) figure out 4) bring up

38. Last year, I spent so much time watching movies that I almost forgot how to communicate with others.

- 1) effectively 2) unexpectedly 3) immediately 4) increasingly

39. My aunt Mary some money, but she refused to take it.

- 1) identified 2) arranged 3) offered 4) expanded

40. The project was completed with the of several students.

- 1) entry 2) origin 3) order 4) aid

41. As a result of, the lake is without any form of life.

- 1) pollution 2) arrangement 3) treasure 4) magnet

42. Japanese companies generally their employees with uniforms.

- 1) surround 2) compare 3) achieve 4) provide

43. Her books are arranged in order according to the writer's names.

- 1) bilingual 2) alphabetical 3) essential 4) biographical

44. The of the research is to try to find out more about the causes of the disease.

- 1) magnet 2) section 3) purpose 4) pattern

45. Doctors strongly that fathers should be present at their baby's birth.

- 1) recommend 2) compile 3) arrange 4) wonder

46. After a long, they finally found the missing documents.

- 1) level 2) search 3) order 4) issue

47. I'll never do all this work in a week – I don't have a/anpower!

- 1) average 2) elementary 3) superhuman 4) communicative

48. It took hours to clear the road after the accident.

- 1) several 2) single 3) inner 4) final

49. My family has always me in whatever I've wanted to do.

- 1) identified 2) arranged 3) surrounded 4) supported

50. A/anof people in the town strongly support the plans to build a new school.

- 1) host 2) term 3) aid 4) issue

دوره متوسطه دوم واژگان درس سوم			
absorb	جذب کردن، مجذوب کردن	cost	هزینه، قیمت
action	عمل، اقدام	count	شمردن
air conditioner	دستگاه تهویه مطبوع	cross sth out	چیزی را خط زدن
already	1-قبلا، پیش از این 2-تاکنون	delivery	(بسته، کالا) تحویل
anger	خشم، عصبانیت	demand	تقاضا، درخواست، مطالبه کردن
apologize	عذرخواهی کردن	design	1-طرح 2-طراحی
apply	درخواست کردن، درخواست دادن به کار بردن	distance	مسافت، فاصله
atmosphere	اتمسفر، جو، محیط	document	سند، مدرک
balcony	بالکن	dread	ترسیدن از، وحشت داشتن از
barbecue	کباب	electrical	برق، الکتریکی
BC(Before Christ)	قبل از میلاد، پیش از میلاد (مسیح)	environment	محیط (زیست)
behind	1-پشت، عقب 2-پشت سر	everyday	1-معمولی، عادی 2-روزمره
bill	صورتحساب، فاکتور، قبض	fall	1.ریختن، پایین آمدن 2.افتادن، بارش
blow	وزیدن، دمیدن، فوت کردن	feather	پر
broth	سوپ، سوپ سبزی، آب گوشت	fill	پر کردن
burnt	سوخته	fitness	تندرستی، تناسب اندام، سرحالی
character	1.ماهیت، ویژگی 2.شخصیت، اخلاق	flock	دسته جمعی رفتن، جمع شدن
check	1.(دررستوران) صورتحساب 2.چک	fly	1.(بادبادک) به پرواز درآوردن، هواکردن 2.پرواز کردن
chemical	1-شیمیایی 2- ماده شیمیایی	forever	برای همیشه، برای ابد
china	چینی، ظروف چینی	fuel	سوخت
client	مشتری، موکل	futsal	فوتسال
cloth	پارچه، کهنه، دستمال	garbage	آشغال، زباله، چرت و پرت
coal	زغال سنگ	generate	به وجود آوردن، تولید کردن
collect	جمع کردن، جمع آوری کردن	give back	پس دادن، برگرداندن
collector	جمع کننده، گردآورنده، مامور وصول	give off	(گاز) متصاعد کردن، آزاد کردن
come up with	ارائه کردن، دادن، تهیه کردن	global	کلی، جهانی
consist of	تشکیل شدن از، شامل بودن	global warming	افزایش دمای زمین
consume	منصرف کردن، صرف کردن	go	1.ازبین رفتن 2.رفتن
convert	تبدیل کردن، تغییر دادن	goods	کالا، اجناس
cook	1-آشپز 2-پختن، درست کردن	gradually	آرام آرام، به تدریج
cool	1-خشک کردن، سرد کردن 2-خنک	hand-size	(دوربین و غیره) دستی
cooling	خنک کننده، سرمایشی	handwash	با دست شستن
cooperate	همکاری کردن، یاری کردن	harm	آسیب، صدمه
hatch	از تخم در آمدن	huge	خیلی بزرگ، عظیم
herd	گله، رمه	hydropower	انرژی آبی

ice	یخ	panel	صفحه ، تابلو ، میز گرد
order	ترتیب، نظم	perfect	عالی ، فوق العاده ، بی نقص
inform	مطلع کردن ، خبر دادن به ، اطلاع دادن به	Persia	ایران
instead of	به جای ، در عوض	picnic	پیک نیک
joint	مفصل ، مشترک	plate	بشقاب
kinetic	جنبشی، حرکتی	pollute	آلوده کردن
kite	بادبادک	pound	پوند (واحد وزن معادل 454 گرم) پوند (واحد پول)
landfill	1- گورستان زباله 2- دفن زباله	power	1- برق را تامین کردن 2- نیرو ، انرژی ، برق
last	1- (وسیله) کار کردن ، دوام داشتن 2- آخری، آخرین	practical	عملی ، مفید
lead	1- رهبری کردن 2- منجر شدن	present	حاضر ، موجود
leader	رهبر ، فرمانده ، رئیس	be present	وجود داشتن ، بودن ، حضور داشتن
light	روشن کردن	Principal	رئیس، (در مدرسه) مدیر
likelihood	احتمال	process	فرآیند ، پروسه
load	بار، ظرفیت	put back	سرجای خود گذاشتن
magic	جادویی	racehorse	اسب مسابقه
margin	حاشیه	radiation	انرژی تابشی، اشعه
material	1- ماده 2- (در جمع) مصالح	reach	رسیدن (به)
mean	1- اهمیت داشتن 2- معنی دادن 3- منظور داشتن	reduce	کم کردن ، کاهش دادن
namely	یعنی، بدین معنی که	remind	1. به یاد انداختن 2. به یاد آوردن
natural gas	گاز طبیعی	renewable	تجدید پذیر ، قابل تجدید
nonrenewable	تجدید ناپذیر، غیر قابل تجدید	replace	1. جایگزین کردن 2. سر جای خود گذاشتن
nuclear	هسته ای	require	نیاز داشتن ، احتیاج داشتن
obey	1- اطاعت کردن 2- (دستور) اجرا کردن	resources	منابع ، ذخایر
oil	1- روغن 2- نفت	result	نتیجه
or	1- و گرنه 2- یا	revolve	چرخیدن ، گشتن
organic	طبیعی ، ارگانیک	rich	1. غنی، سرشار 2. ثروتمند

rise	افزایش، ترقی	work	اثر کردن، عمل کردن
robot	روبات، آدم آهنی	work out	خوب از آب درآمدن، بهتر شدن
roof	پشت بام، تاق، سقف	worm	کرم
run	1- جاری شدن 2- اداره کردن 3- راه انداختن 4- دویدن	واژگان کتاب کار	
running water	آبیاری	absence	غیبت، نبود
sauce	(آشپزی) سس	alphabetically	الفبایی
save	1- در مصرف... صرفه جویی کردن 2- ذخیره کردن 3- نجات دادن	alternative	جایگزین، انتخاب
separate	جدا	background	سابقه، پیشینه
shiny	براق، درخشان	benefit	مزیت، سود
sight	بینایی، دید	charge	شارژ کردن، شارژ
sign	1. تابلو 2. نشانه، علامت	charging	شارژ کننده
since then	از آن موقع	combine	ترکیب کردن
so(that)	تا، تااین که	community	اهالی، جامعه، اجتماع
solar	خورشیدی، شمسی	constantly	مدام، پیوسته
source	منبع، منشاء	deal with	سر و کار داشتن با، کنار آمدن با
spoil	(غذا) فاسد شدن، خراب شدن، لوس کردن	digest	هضم کردن، فهمیدن
stable	اصطبل، طویله	disability	معلولیت، ناتوانی
string	سیم، نخ، رشته	economy	صرفه جویی، اقتصاد
subject	1- موضوع 2- فاعل	electric	برقی، الکتریکی
succeed	موفق شدن	engine	موتور
sunlight	آفتاب، نور خورشید	fall asleep	به خواب رفتن، خوابیدن
sunshine	نور خورشید، آفتاب	flashlight	چراغ قوه
supply	مقدار، ذخیره، فراهم کردن	fond	عاشق، شیفته، علاقه مند
supporting	قانع کننده، مکمل	gadget	وسیله، ابزار، دستگاه
swimming pool	استخر شنا	gasoline	بنزین
take in	جذب کردن	hold	نگه داشتن، برگزار کردن
tide	جزر و مد	hybrid car	ماشین دوگانه سوز، دورگه
tower	برج	outlet	پریز
truck	کامیون	overcome	غلبه کردن بر (مانع، مشکل) حل کردن
turbine	توربین	plug in	به برق زدن، وصل کردن
use up	تمام کردن، تا آخر مصرف کردن	plug into	وصل شدن به
variety	1. تنوع 2. مجموعه متنوع	portable	قابل حمل
videophone	تلفن تصویری	regular	معمولی، عادی 2. منظم
visible	قابل دیدن، قابل رویت	roll	کار کردن، به کار افتادن، حرکت کردن

warn	هشدار دادن به ،خطر دادن به	select	انتخاب کردن
waste	زباله ،آشغال،هدر دادن	solar panel	پنل خورشیدی
weigh	وزن داشتن،وزن کردن	store	ذخیره کردن
whether	که آیا	stove	اجاق
win	بردن، برنده شدن	turn	چرخاندن،چرخیدن
unit	دستگاه، واحد		
veggie	سبزیجات، گیاهخوار		

لغات مترادف و متضاد مهم درس سوم

Persia = Iran	ایران	apply = ask for	درخواست کردن
as a result = therefore, thus, so	در نتیجه	require = need	نیاز داشتن، احتیاج داشتن
as a result of = because of	به علت، به خاطر	achieve = reach ,get	رسیدن به، دست یافتن به
perfect = excellent	عالی	consist of = contain ,include	شامل.....بودن
gradually = slowly	آرام آرام	consume = use up	مصرف کردن
forever =always	برای همیشه	reduce =decrease	کم کردن، کاهش دادن
harm=injury	آسیب، صدمه	remind = remember	به یاد آوردن
sunshine = sunlight	نور خوشید، آفتاب	generate = produce , make	تولید کردن
Garbage = waste	زباله، آشغال	generate = create	به وجود آوردن
Variety = diversity	تنوع	supply = provide	فراهم کردن، تامین کردن
meaningful = useful	مفید	replace = put back	سر جای خود گذاشتن
meaningful = important	مهم	revolve around = orbit , go around	چرخیدن به دور
huge = خیلی بزرگ، عظیم	= vast پهنای عظیم	use up = consume	مصرف کردن
huge = خیلی بزرگ، عظیم	= great بزرگ، عظیم	dread = fear	ترسیدن، وحشت داشتن از
bill = check	صورتحساب		

anger خشم	≠	calm آرامش	reduce کم کردن	≠	increase افزایش دادن
huge خیلی بزرگ	≠	small ,little , tiny	generate تولید کردن	≠	destroy ویران کردن
کوچک					
birth تولد	≠	death مرگ	succeed موفق شدن	≠	fail شکست خوردن
back پشت، عقب	≠	in front of مقابل	consume مصرف کردن	≠	build , create ساختن، به وجود آوردن
present حاضر	≠	absent غایب	win بردن ، برنده شدن	≠	lose باختن
forever برای همیشه	≠	never هرگز	remind به یاد آوردن	≠	forget فراموش کردن
heat گرم کردن	≠	cool خنک، خنک کردن			

PROVERBS (ضرب المثل ها)

20 ضرب المثل مهم زیر را با معادل فارسی آنها به خاطر بسپارید.

English	Persian
1. Absence makes the heart grow fonder.	دوری و دوستی
2. A burnt child dreads the fire.	مارگزیده از ریسمان سیاه و سفید می ترسد.
3. Actions speak louder than words.	به عمل کاربرآید، به سخندانی نیست.
4. Birds of a feather flock together.	کبوتر با کبوتر، باز با باز
5. Cut your coat according to your cloth.	پایت را به اندازه گلیمت دراز کن.
6. Don't count your chickens before they hatch.	جوجه را آخر پاییز می شمردند.
7. Don't look a gift horse in the mouth.	دندان اسب پیشکشی را نمی شمردند.
8. Easy come, easy go.	بادآورده را باد می برد.
9. God helps those who help themselves.	از تو حرکت، از خدا برکت
10. He laughs best who laughs last	شاهنامه آخرش خوش است.
11. Kill two birds with one stone.	بایک تیر دو نشان زدن.
12. Money does not grow on trees.	پول علف خرس نیست.
13. Out of sight, out of mind.	از دل برود هرآنکه از دیده برفت.
14. Practice makes perfect.	کار نیکو کردن، از پرکردن است.
15. The early bird catches the worm.	سحرخیز باش تا کام روا باشی.
16. There's no place like home.	هیچ جا خانه ادم نمی شود.
17. There is no smoke without life.	تا نباشد چیزکی مردم نگویند چیزها.
18. Too many cooks spoil the broth.	آشپز که دوتا شد، آش یا شور می شود یا بی نمک.
19. Two heads are better than one.	هر سری عقلی دارد.
20. Well begun is half done.	سالی که نکوست از بهارش پیداست.

نکات گرامر درس سوم

گذشته کامل (ماضی بعید)

(Past Perfect Tense)

تعریف: هرگاه دوفعل در زمان گذشته انجام گرفته باشد، آن را که زودتر اتفاق افتاده است با ماضی بعید بیان می کنیم.

مثال:

When I arrived, they had gone.

وقتی که من رسیدم، آنها رفته بودند.

طرز ساخت: برای ساخت این زمان کافی است طبق قاعده زیر عمل کنیم.

. بقیه جمله + P.P + had + فاعل

She had washed the dishes.

طرز سوالی و منفی کردن:

برای سوالی کردن این زمان کافی است فعل کمکی had را به اول جمله منقل کنیم و برای منفی کردن (not) را به had اضافه کنیم.

Had the match started when you arrived?

They had not (hadn't) washed the dishes because they were tired.

طرز شناخت:

راه اصلی شناخت گذشته کامل (ماضی بعید) این است که از دو فعلی که انجام گرفته متوجه شوید کدامیک زودتر اتفاق افتاده است، آن را که زودتر اتفاق افتاده است با ماضی بعید بیان کنیم.

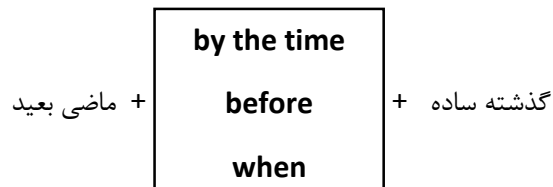
When you phoned, Reza had gone.

این جمله نشان می دهد که اول رضا رفته و بعد شما تلفن زده اید.

She went to bed after she had washed the dishes.

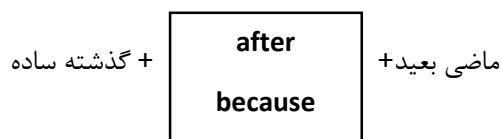
این جمله نشان می دهد که اول ظرف ها را شسته و بعد خوابیده است.

اما فرمول و قواعدی هم وجود دارد که شما را در حل این تست ها کمک می کند.



We had eaten lunch before Reza came.

When I sent the book to him, he had bought it.



1. I couldn't phone him because I had lost his number.

2. After I had taken the medicine, I felt a little better

نکته: مجهول ماضی بعید به صورت (had + been + P.P) می باشد.

The letters had been posted when he arrived.

نکته: اگر بخواهیم نشان دهیم که کاری کاملاً تمام شده، می توانیم بعد از when ماضی بعید استفاده کنیم.

When I had done my homework, I watched TV.

نکته: قید before در آخر جمله و حرف ربط because در وسط جمله می توانند هم با ماضی نقلی و هم با ماضی بعید بیایند.
اگر فعل جمله اول حال ساده باشد از ماضی نقلی و اگر فعل جمله اول گذشته باشد از ماضی بعید استفاده می کنیم.

1) I think that I have seen him before.

I thought that I had seen him before.

2) He is tired because he has worked a lot.

He was tired because he had worked a lot.

نکته: قید already (قبلاً) و just (تازه) در ماضی بعید بین had و قسمت سوم می آیند.

When I arrived, the train had already left.

I had just finished my homework when you phoned.

نکته: اگر بعد از before-after-when بلافاصله فعل قرار گیرد، آن فعل به صورت ing دار می باشد.

After playing tennis, we went home.

You can eat lunch before watching TV.

نکته: وقتی در مورد گذشته حرف می زنیم و می خواهیم نشان دهیم عملی در گذشته چقدر طول کشیده است از ماضی بعید استفاده می کنیم. از کلمات for به معنی (به مدت) و since به معنی (از وقتی که) در این حالت استفاده می کنیم.

I had lived in Isfahan for 20 years before I moved to Tehran.

They had known each other since they were children.

اگر در مورد حال حرف بزنیم، از ماضی نقلی به جای ماضی بعید استفاده می کنیم .

چکیده: خلاصه اینکه در جمله های مرکبی که معمولا تاز دو جمله ترکیب شده اند ، اگر یکی از آنها ماضی بعید باشد ، آن دیگری معمولا گذشته ساده می آید و برعکس.

حالت مجهول افعال وجهی

(Modals in Passive Voice)

در سال دهم درس چهارم با افعال وجهی (ناقص) آشنا شدید ، در انجا گفتیم که افعال ناقص افعالی هستند که به تنهایی در جمله قرار نمی گیرند ، چر که نمی توانند مفهوم کامل را به خواننده یا شنونده منتقل کنند.
بعد از این افعال همیشه از شکل ساده یک فعل اصلی استفاده می شود.

He can explain the lesson.

مثال:

این افعال عبارتند از:

(can-could- may-might-should-shall-will-would –must-have to-has to- had to -.....)

در درس اول توضیح دادیم که چگونه یک جمله ی معلوم را به جمله ی مجهول تبدیل کنیم . ابتدا مفعول را به جای فاعل قرار می دهیم ، سپس با توجه به زمان جمله معلوم و ماز مشتقات فعل (to be) استفاده می کنیمو سپس قسمت سوم فعل را می نویسیم.

حال که می خواهیم جمله هایی که همراه با افعال وجهی هستند را به مجهول کنیم. اینگونه عمل می کنیم:

1-ابتدا مفعول را به جای فاعل قرار می دهیم .

2-افعال وجهی را همراه با فعل (be) می نویسیم.

3-قسمت سوم فعل اصلی را بعد از فعل (be) قرار می دهیم.

مثال:

1-He can answer the question.

The question can be answered.

2-The may hold the games in Iran.

The games may be held in Iran.

3-You should park the car in the parking lot.

The car should be parked in the parking lot.

4-They have to learn English.

English has to be learnt.

5-The mechanic will fix my ear tomorrow.

My car will be fixed tomorrow.

نکته: هرگاه بخواهیم ساختار (be going to) را به شکل مجهول بنویسیم، کافی است شکل ساده فعل که بعد از (be going to) می آید را بصورت (to be + P.P) بنویسیم.

1-They are going to build a lab here.

مثال:

A lab is going to be built here.

Grammar:

1-Tired of waiting, the impatient coupleby the time the clerk called their number.

- 1)had left 2)left 3) has left 4)had been left

2-Somethingabout global warming, or some types of animals will die out.

- 1)should be done 2)should do 3)had done 4)has been done

3-Plastic bags can be easilywith paper bags or something like that.

- 1) replace 2)replacing 3)replaced 4)to replace

4-Heart disease thought to be caused by eating wrong things.

- 1)may 2)has 3)be 4)is

5-The woman told me that she in China before.

- 1)had worked 2)worked 3)has worked 4)will work

6- Emma went to France last week. Before that, she outside Ireland.

- 1)wasn't 2)has never been 3)had never been 4)isn't

7-The escaped prisonersto be travelling towards London.

- 1)report 2)were reported 3)are reporting 4)had reported

8-Winston Churchill said: "In war, you once, but in politics , many times.

- 1)may only kill 2)can only be killed 3)only killed 4)must only be killing

9-He called to remind me that the cat should twice a day.

- 1)has fed 2)be fed 3)to be fed 4)to be feeding

10-Mobinachess before, so I showed her what to do.

- 1)didn't play 2)wasn't play 3)hasn't played 4)hadn't played

11-When he had finished work, he out for a walk.

- 1)had gone 2)has gone 3)went 4)goes

12-When weat the station, the train already left.

- 1)had arrived/ has 2)had arrived / had 3)arrived / had 4)arrived / has

13-A:"Why were you unhappy last night?" B:"Because I a sad story."

- 1)had read 2)read 3)has read 4)will read

14-I believed that Ithe film before.

- 1)have seen 2)saw 3)had seen 4)should see

15-My brother and I swimming almost every day last year.

- 1)went 2)were gone 3)have gone 4)had gone

16-When we got to the airport, I realized I my passport at home!

- 1)left 2)have left 3)had left 4)was left

17-I'm not sure who she is. Iher before, but I can't remember where.

- 1)had seen 2)has seen 3)have seen 4)saw

18-His mother angry with him because he the shopping for her.

- 1)was/had not done 2)was/has not done 3)had been/didn't do 4)has been/had not done

19-These mountains from a great distance . It shows how high they are.

- 1)is seen 2)see 3)can be seen 4)had seen

20-The articles..... the other day were all about solar energy.

- 1)were written 2)wrote 3)which were written 4)had been written

21-I my homework as soon as I got home from school.

- 1)did 2)was doing 3)was done 4)had done

22-They gave me some money back because I paid too much.

- 1)was 2)had 3)had been 4)was being

23-A:Should the policemanher the way? B:Yes, the way shouldto her by the policeman.

- 1)show/show 2)be shown/be shown 3)show/be shown 4)be shown/show

24-Tourists must for a passport..... abroad.

- 1)be applied/to travel 2)apply/to travel 3)be applied/traveling 4)apply/traveling

25-Bruce has no initiative. He needs what to do all the time.

- 1)to tell 2)to be told 3)to been told 4)to have been told

26-As the patient could not walk he home in a wheel chair.

- 1)has carried 2)carried 3)was carried 4)was carrying

27-Thank god we have a map ! If we didn't, we would

- 1)lose 2)be lost 3)been lost 4)had lost

28-You did not make a wise decision, because you wrong information.

- 1)given 2)had given 3)are given 4)had been given

29-The injured man can't so he should to the hospital.

- 1)be walked/be taken 2)walk/be taken 3)walk/take 4)be walked/take

30-It is still snowing .It started to snow last night and it yet.

- 1)hadn't stopped 2)didn't stop 3)hasn't stopped 4)doesn't stop

31-Ben was expecting for the rugby team, but he didn't do very well in the trials.

- 1)to choose 2)that he chose 3)being chosen 4)to be chosen

32-When I him two weeks ago, he told me that he had returned from the south of France.

- 1)met 2)have met 3)will be met 4)may be met

33-There was a fire at the hotel last week. Two of the rooms..... .

- 1)have damaged 2)had damaged 3)were damaged 4)were damaging

34-The land next to our house sold to the government recently.

- 1)is 2)will be 3)has been 4)had been

35-A:Should we the employees now? B:No,they must on the last day of the month.

- 1)pay/pay 2)pay/be paid 3)be paid/be paid 4)be paid/pay

36-I the book when I had finishedit.

- 1)returned/reading 2)had returned/reading 3)returned/to read 4)had returned/to read

37-I didn't like about my private life. People should learn to respect others' privacy.

- 1)asking 2)to ask 3) being asked 4)be asking

38-I don't enjoywhat to do all time.

- 1)telling 2)told 3)being told 4)to be told

39-All the foodbefore we got to the picnic .

- 1)has eaten 2)had eaten 3)had been eaten 4)has been eaten

40-He said he didn't need a job because he a better one before.

- 1)has offered 2)had offered 3)has been offered 4)had been offered

Vocabulary:

1-School libraries can be a very useful and available of information for the students.

- 1)panel 2)source 3)turbine 4)fuel

2-Cyrus the Great is unique in the history of Persian Kings and no one can him.

- 1)review 2)reset 3)replace 4)restart

3-The wind the door closed behind me and now I'm shut out of the house.

- 1)overcome 2)rolled 3)created 4)blew

4-It's such a long name that you have to wait around for them to be done saying it.

- 1)forever 2)widely 3)instead 4)namely

5-"You always speak of the importance of charity, but never do anything yourself. !"

- 1)God helps those who help themselves. 2)Practice makes perfect.
3)Actions speak louder than words. 4)Money does not grow on trees.

6-People and robots can with each other in making life easier.

- 1)apologize 2)absorb 3)cooperate 4)provide

7-The company manager gave him a check and told him it was payable on

- 1)benefit 2)demand 3)supply 4)process

8-After 10 months of hard work, our new book is taking shape.

- 1)immediately 2)unexpectedly 3)gradually 4)unchangeably

9-I was amazed by the ease with which African women seemed to carry heavy on their heads.

- 1)feathers 2)loads 3)clients 4)documents

10-Anytime they filmed in a public place, fans were sure to around them.

- 1)revolve 2)sing 3)carry 4)flock

11-AIDS can be stopped only if every person decides to take against it.

- 1)harm 2)result 3)benefit 4)action

12-My uncle started to go walking to improve his

- 1)character 2)fitness 3)design 4)arrangement

13-The Russian submarine in the Baltic Sea has engines that run on power .

- 1)unclear 2)nuclear 3)visible 4)separable

14-In our building , the students have bedrooms, but share communal kitchens.

- 1)renewable 2)separate 3)principle 4)valuable

15-Up until a few years ago it cost a lot to..... a website – but those days are long gone.

- 1)move to 2)power 3)run 4)consist

16-Diesel engines also average about 15percent better fuel..... over gasoline engines.

- 1)power 2)source 3)unit 4)economy

17-My father showed us that life is not without work.

- 1)renewable 2)visible 3)meaningful 4)portable

18-In the last 10 years, California has 35% of foreigners to the U.S.

- 1)generated 2)absorbed 3)cooperated 4)provided

19-Usually in the summer, thousands of tourists to the museums and art galleries of Tehran.

- 1)develop 2)belong 3)flock 4)amount

20-The likelihood of an only child to be is relatively high since parents pay a lot of attention to them.

- 1)appreciated 2)spoiled 3)processed 4)identified

21-That tiny radiator in the restaurant didn't much heat, so we had to put our jackets back on.

- 1)cause 2)blow 3)convert to 4)give off

22-It is recommended to plug unused electrical to keep cold air from coming in through sockets.

- 1)devices 2)strings 3)outlets 4)chargers

23-Please us of any change of address as soon as possible.

- 1)inform 2)provide 3)apply 4)achieve

24-The police have drivers that the roads are dangerous.

- 1)absorbed 2)warned 3)counted 4)obeyed

25-The recent heat wave in Khuzestan has led to higher electric and other utility..... .

- 1)consumption 2)waste 3)bill 4)order

26-Tens of thousands of graduates are for jobs in foreign countries each year.

- 1)considering 2)applying 3)borrowing 4)retiring

27-You won't long in your job if you carry on being so rude to the clients.

- 1)organize 2)supply 3)last 4)apply

28-Th meeting will consist of a general introduction and to the school from the principal and then a question and answer session.

- 1)equivalent 2)alternative 3)background 4)similarity

29-This is a tigon, a/an between a male tiger and a female lion.

- 1)equivalent 2)hybrid 3)alternative 4)similarity

30-As soon as the boss left, the employees were relaxed .As they say,

- 1)easy come ,easy go 2)practice makes perfect
3)out of sight, out of mind 4)actions speak louder than words

31-After a range of court hearings, the lawyer proved the innocent of the teenage

- 1)judge 2)client 3)customer 4)assistant

32-I remember when I was a school kid, in winter, we had to stand in the snow every morning for call.

- 1)role 2)fail 3)roll 4)rule

33-He's had the of an expensive education and yet he continues to work as a waiter.

- 1) experiment 2)benefit 3)sight 4)supply

34-In many movies and books we often see the line "I need go and find who I really am". Our identity ischanging; we never truly know who we are.

- 1)namely 2)familiarly 3)constantly 4)skillfully

35-The two sides talked about some specific cooperation areas, but nothing was.....

- 1)wasted 2)concluded 3)warned 4)consumed

36-Fish is a key of omega 3 oils which have health benefits particularly for the heart.

- 1)character 2)source 3)consumption 4)string

37- Most of great poets find poetry as their only form of emotional.....

- 1)outlet 2)outdoor 3)outlook 4)outscore

38-If the majority of workers decide to go on a strike, it will definitely to the closure of the factory.

- 1)transmit 2)lead 3)supply 4)organize

39-Everyone faces challenges in life . It's a matter of how you learn to them and use them to your benefit.

- 1)succeed 2)fail 3)overcome 4)experiment

40-While some say the humane way of..... a suffering animal is to kill it quickly, others consider it cruel.

- 1)providing for 2)dealing with 3)applying for 4)checking with

41-The cost of running the hospital is becoming more every day and support from the local community is badly needed.

- 1)concluding 2)absorbing 3)demanding 4)supporting

42-All of those memories make it so nice to go back there year after year.

- 1)confusing 2)fond 3)similar 4)unfamiliar

43-Most companies tend to employ people with a personality and high sense of responsibility.

- 1)stable 2)changeable 3)variable 4)portable

44-The new highway will connect two famous tourists destinations,....., Isfahan and Shiraz .

- 1)mainly 2)only 3)namely 4) certainly

45-If there's one thing any parent..... it's the thought of their children being caught up in drugs.

- 1)supports 2)dreads 3)guides 4)provides

46-Why not wait till you get the confirmation? Aren't?

- 1) you killing two birds with one stone.
- 2) you looking a gift horse in the mouth.
- 3) you cutting your coat according to your cloth.
- 4) you counting your chickens before they have hatched.

47-The house was tragicallyby fire in 1974 leaving only the walls standing.

- 1) achieved
- 2)died out
- 3)consumed
- 4)consisted of

48-"What if it doesn't" is a common fear that I often hear my clients express.

- 1)cooperate with
- 2)supply with
- 3)work out
- 4)find out

49-It is reasonable tothat people are directly influenced by what they read and watch on social media.

- 1)include
- 2)relate
- 3)conclude
- 4)arrange

50-History teacher: Do you know whoNaser al-Din Shah Qajar?

Student: Yes, Mozaffar-e-din Shah.

- 1)reminded
- 2)succeeded
- 3)produced
- 4)expanded